

مسطحان
مفتاح
کتابخانه

دکتر علی هراتیان

کریلا میقات منتظران

دکتر علی هراتیان

سرشناسنامه: هراتیان، علی
عنوان و نام پدیدآور: کربلا میقات منتظران / علی هراتیان
مشخصات نشر: ۱۳۹۰، عطر عترت: قم
مشخصات ظاهر: ۶۴ ص
شابک: ۸۰۰۰ ریال ۵-۰۱۷-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: سوگواری - ۶۱ ق - امام سوم - حسین بن علی علیه السلام
موضوع: توسل - ۶۱ ق - امام سوم - حسین بن علی
موضوع: ۲۵۵ قمری - امام دوازدهم - محمد بن حسن
رده بندی کنگره: ۴۵ ک ۱۳۹۰ ۴/۳/۲۶۰ BP
رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۷۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۲۲۶۴

تقدیم به سالار شهیدان، سرور آزادگان

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام

کربلا میقات منتظران

دکتر علی هراتیان

ناشر: عطر عترت

قطع و صفحه: رقعی / ۶۴

چاپ اول / ۱۳۹۰ / چاپ حافظ

شمارگان: ۵۰۰۰

شابک: ۵-۰۱۷-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۸۰۰ تومان

پخش: قم: ۰۹۱۲۷۴۷۷۱۱۸ تهران: ۰۹۱۲۵۰۲۰۴۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست عناوین

| | |
|--------------------------------------|----|
| مقدمه..... | ۵ |
| گفتار اول: کربلا، معبری به ظهور..... | ۷ |
| گفتار دوم: گل سر سبد..... | ۲۹ |
| گفتار سوم: پایان حزن شیعه..... | ۳۳ |
| گفتار چهارم: علامت را بشناس..... | ۳۹ |
| گفتار پنجم: تکالیف زمان غیبت..... | ۴۹ |
| پایان بخش: العجل..... | ۶۲ |

مقدمه

صلی الله علیک یا مولانا یا صاحب العصر والزمان

مدتی بود که از فیض نوشتن راجع به وجود مقدس امام عصر علیه السلام این امام غریب و مظلوم محروم شده بودم. گناه، معصیت، عُجب، غرور، ریا و از این قبیل موجبات سلب توفیق را فراهم می آورند. دلیل سلب توفیق هر چه بود مرا در این عقیده راسخ تر ساخت که تا آن حضرت نخواهند و تا آن حضرت، خود اجازه ندهند نمی توان قدم از قدم برداشت و قلم را بر صفحه کاغذ گذاشت. صاحب این قلم در وادی محبت، معرفت و انتظار امام عصر علیه السلام خود را همچون کودکی نوپا می داند که به افت و خیز کودکان مشغول است. من کجا و دم زدن از امام زمان علیه السلام کجا؟

جایی که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد

دوباره دست به قلم شده‌ام. این رحمت ارباب است که مرا چنین گستاخ می سازد. خوشحالی ام آن گاه مضاعف می شود که می بینم برای آشتی با ارباب بهانه‌ای حسینی پیدا کرده‌ام. از راه اربعین سید الشهداء علیه السلام وارد شده‌ام. مگر امکان دارد کسی با نوای «یا حسین» به امام زمان علیه السلام

متوسل شود و آن حضرت، او را بی جواب بگذارد؟ در نام «حسین» علیه السلام فرج نهفته است و این بار هم با «یا حسین» برای من فرج حاصل شد. این درسی است که از مکتب انبیا آموخته ایم. مگر با ذکر «یا حسین» برای پدرمان حضرت آدم علیه السلام فرج حاصل نشد و توبه اش به درگاه خداوند قبول نگشت؟ آیا می خواهید در یک جمله پیام این نوشتار را دریابید؟ «اگر فرج را می خواهیم باید متوسل به خون خدا، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شویم.»

به این معنا که می توان با توسل به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و دعا در مجالس عزای آن بزرگوار و تحت قبه سید الشهداء علیه السلام فرج منتقم خویش را از خداوند خواستار شد و چه بهانه ای بهتر و چه وسیله ای کارسازتر و چه شفיעی به درگاه خدا قدرتمندتر از مظلوم کربلا حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام؟

الهی بدم الحسین علیه السلام عجل لولیک الفرّج

جمادی الثانی ۱۴۳۲ قمری

گفتار اول

کربلا، معبری به ظهور

آیا تاکنون اربعین حسینی به کربلای معلا مشرف شده‌اید یا نه؟ پیش از آن که مقصود خویش از طرح این سؤال را بیان نمایم ناگزیرم به این حقیقت تلخ اشاره کنم که متأسفانه بسیاری از ما، اهمیت زیارت سیدالشهدا علیه السلام را درک نکرده‌ایم. هستند در جامعه شیعه کسانی که به دهه چهارم یا پنجم عمر خویش رسیده‌اند و علیرغم استطاعت مالی و بدنی هنوز یک بار هم به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف نشده‌اند غافل از آن که به فرموده اهل بیت علیهم السلام زیارت آن حضرت بر هر مرد و زن مسلمان واجب و فریضه است چنان که امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام امر کنید زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند دارد، فرض و واجب می‌باشد. (۱)

و امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

۱- مروا شیعتنا بزيارة قبر الحسين علیه السلام فإن إتيانه مفترض على كل مؤمن يقرّ بالحسين علیه السلام بإمامته من الله عزّ وجلّ (کامل الزیارات: باب ۴۳، ح ۱).

زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است. (۱)

کمتر عملی به اندازه زیارت کربلا مورد توصیه و تأکید پیشوایان معصوم علیهم السلام بوده است. در روایات، زیارت سیدالشهدا علیه السلام «خیر کثیر» (۲) و «افضل اعمال» (۳) شمرده شده همان گونه که انتظار فرج را افضل اعمال بر شمرده‌اند و شیعیان به مسابقه و رقابت در این وادی فرا خوانده شده‌اند. (۴) از فرموده‌های اهل بیت علیهم السلام است که:

کسی که به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام برود و عارف به حق آن جناب باشد گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده خواهد شد (۵).

کسی که به امید اجر و ثواب و نه از روی تکبر و ریا به زیارت سیدالشهدا علیه السلام برود به ازای هر قدم، ثواب یک حج و آن گاه که قدمش را از روی زمین بلند می‌کند ثواب یک عمره برای او نوشته می‌شود. (۶)

... [زائر حضرت ابا عبدالله علیه السلام] با اولین قدمی که بر می‌دارد تمام

- ۱- فَإِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاجِبَةٌ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ (همان: باب ۴۳، ح ۳).
- ۲- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَزُرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ حَرَّمَ خَيْرًا كَثِيرًا وَنَقَصَ مِنْ عَمْرِهِ سَنَةً (همان: باب ۶۱، ح ۲).
- ۳- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ (همان: باب ۵۸، ح ۶).
- ۴- ... فَتَنَافَسُوا فِي زِيَارَتِهِ وَلَا تَدْعُوا ذَلِكَ... (همان: باب ۶۱، ح ۱).
- ۵- عَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ... فَتَنَافَسُوا فِي زِيَارَتِهِ وَلَا تَدْعُوا ذَلِكَ... (همان: باب ۶۱، ح ۱).
- ۶- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحْتَسِبًا لَا إِشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سَمْعَةَ مَحَصَّتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَمْحَصُّ الثَّوْبَ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَيَكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حِجَّةٌ وَكَلِمًا رَفَعَهَا قَدَمًا عَمْرَةً (همان: باب ۵۷، ح ۱).

گناهانش آمرزیده می‌شود. (۱)

در هر شب جمعه فرشتگان، پیامبران و اوصیای آنان به زمین هبوط کرده و شهید کربلا را زیارت می‌کنند. (۲)

خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام برای زائران سیدالشهدا علیه السلام دعا می‌کنند. (۳)

زیارت سیدالشهدا علیه السلام روزی را زیاد، عمرها را طولانی و هر شرّ و بدی را دفع می‌کند. (۴)

هر درهمی که در مسیر زیارت کربلا خرج شود به ده هزار درهم پاداش داده خواهد شد. (۵)

فردای قیامت زوّار سیدالشهدا علیه السلام چهل سال پیش از دیگران وارد بهشت می‌شوند در حالی که مردم در حساب و موقف می‌باشند. (۶)

احدی نیست در روز قیامت مگر آن که آرزو می‌کند از زوّار

۱- عن الصادق علیه السلام: ان الرجل لیخرج الی قبر الحسین علیه السلام فله اذا خرج من اهله باوّل خطوة مغفرة لذنوبه. (همان: باب ۴۹، ح ۲).

۲- عن الصادق علیه السلام:... و کیف لا ازوره والله یزوره فی کلّ لیلّة جمعه یهبط مع الملائكة الیه و الانبیاء و الاوصیاء و... (همان: باب ۳۸، ح ۴).

۳- عن معاویة بن وهب عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال لی: یا معاویة لا تدع زیارة قبر الحسین علیه السلام لخوف فانّ من ترک زیارته رأى من الحسرة ما یتمنی انّ قبره کان عنده اما تحبّ ان یرى الله شخصک و سوادک فیمن یدعوا له رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمة و الائمة علیهم السلام (همان: باب ۴۰، ح ۱).

۴- عن محمد بن علی الباقر علیه السلام: مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین علیه السلام فانّ اتیانه ینزله فی الرّزق و یمدّ فی العمر و یدفع مدافع السوء و اتیانه مفترض علی کلّ مؤمن یقرّ للحسین علیه السلام بالامامة من الله عزّ و جلّ. (همان: باب ۶۱، ح ۱).

۵- عن الصادق علیه السلام:... فاذا حُسر قیل له: لک بكلّ درهم عشرة الآف درهم. (همان: باب ۴۶، ح ۴).

۶- عن الصادق علیه السلام:... یدخلون الجنة قبل الناس باربعین عاماً و سائر الناس فی الحساب و الموقف (همان: باب ۵۲، ح ۱).

سیدالشهداء علیه السلام باشد زیرا مشاهده می‌کند با اینان چه معامله‌ای شده و چه کرامتی خداوند درباره آنها منظور فرموده است. (۱)

[کسی که با داشتن قدرت به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام نرود] عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و عاق ما اهل بیت می‌باشد و امری که به نفع اوست را سبک شمرده است. (۲)

کسی که سال بر او بگذرد و به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نرود خداوند یک سال از عمر او می‌کاهد و اگر بگویم برخی از شما سی سال قبل از اجل و مرگ طبیعی خود از دنیا می‌روید هر آینه راست گفته‌ام، زیرا زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک می‌کنید. بنابراین زیارت آن حضرت را رها نکنید تا خدای متعال عمر شما را زیاد و روزی شما را وسیع گرداند. (۳)

حیف است در این میان از کتاب شریف «کامل الزیارات» سخنی به میان نیاوریم. مطالعه این اثر گران سنگ که به «سند الشیعه» معروف و از اعتبار ویژه‌ای نزد بزرگان و علمای شیعه برخوردار است برای هر مؤمنی لازم و ضروری است. اصلی‌ترین و مفصل‌ترین بخش این کتاب روایات مربوط به زیارت سالار شهیدان، فضیلت گریه بر آن بزرگوار، گریستن آسمان و

۱- عن الصادق علیه السلام: ما من احد یوم القیامة الا وهو یتمنی انه من زوار الحسین علیه السلام لما یری مما یصنع بزوار الحسین علیه السلام من کرامتهم علی الله تعالی (همان: باب ۵۰، ح ۱).

۲- ... قلت جعلت فداک ما تقول فیمن ترک زیارته وهو یقدر علی ذلك؟ قال [الصادق علیه السلام] اقول: انه قد عاق رسول الله صلی الله علیه و آله و عاقنا واستخف بامر هوله (همان: باب ۴۶، ح ۴).

۳- عن ابا جعفر علیه السلام: من أتى علیه حول لم یأت قبر الحسین علیه السلام انقص الله من عمره حولاً ولو قلت ان احدکم لیموت قبل اجله بثلاثین سنة لکننت صادقاً وذلك لانکم تترکون زیارة الحسین علیه السلام فلا تدعوا زیارته یمد الله فی أعمارکم ویزید فی ارزاقکم.

زمین، فرشتگان، انس و جن و همه مخلوقات (حتی دشمنان ایشان) بر آن حضرت، فضیلت آب فرات، آیات قرآن که راجع به شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نازل شده، علم انبیا به شهادت آن حضرت، ثواب گریستن و گریاندن و شعر گفتن و شعر خواندن در رثای مظلوم کربلا، آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام و... می باشد. خواندن این کتاب به طور حتم و یقین شوق هر خواننده‌ای را به زیارت کربلا بر می انگیزد و به لطف خداوند ترجمه این کتاب شریف موجود و در دسترس همگان می باشد.

واما سخن از اربعین و کربلا بود. هیچ یک از ایام زیارتی مخصوص اباعبدالله علیه السلام (اول رجب، نیمه رجب، روز عرفه، شب‌های قدر و اربعین) شکوه زیارت اربعین را ندارد. در اربعین، سرزمین عراق واقعاً تماشایی است. کربلا حال و هوای دیگری دارد. محشری بر پا می شود. سیل جمعیت همچون رودخانه‌هایی خروشان از مناطق مختلف عراق به سوی کربلا به راه می افتند. تمام راه‌ها، جاده‌ها و بیابان‌های منتهی به کربلا مملو از زائرانی است که اغلب با پای پیاده عازم زیارتند. زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ با صورت‌های تفتیده، پاهای تاول زده. برخی از آنان هفته‌ها در راه بوده‌اند و مسافت‌های چند صد کیلومتری را پیموده‌اند. مادرانی که کودکان شیرخوار خود را در بغل گرفته‌اند و کودکان خردسالی که پا به پای بزرگترهای خود در حرکتند و سالخورده‌گانی که عصا در دست و لنگ لنگان گام بر می دارند بیشتر جلب توجه می کنند. دیدن این جمعیت عظیم که همچون مور و ملخ در بیابان پراکنده‌اند؛ اما همگی به سوی یک مقصد واحد در حرکتند ناخودآگاه شما را به یاد زمان ظهور امام عصر علیه السلام

می اندازد. آن هنگام که صدای زیبای «انا بقیة الله» از کنار کعبه طنین انداز خواهد شد و مؤمنان و خدا جوینان از دور و نزدیک برای یاری آخرین حجت الهی به سوی کعبه مقصود حرکت خواهند کرد.

ممکن است این سؤال برای برخی ایجاد شود که: «چرا پیاده به زیارت رفتن؟» وقتی می توان با وسایل نقلیه امروزی در زمانی کوتاه و به راحتی عازم زیارت شد چه لزومی دارد با پای پیاده و با زحمت در گرمای تابستان و یا سرمای زمستان به زیارت برویم؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: در روایات رسیده از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این سنت پسندیده تأکید شده و بزرگان فقها بر این اساس، به استحباب این عمل فتوا داده اند و امروزه به ویژه در کشور عراق پیاده روی به سوی کربلا در ایام زیارتی به یکی از شعائر حسینی تبدیل شده است. مرحوم شیخ حرّ عاسلی رحمته الله در کتاب «وسایل الشیعه» بابی با عنوان «استحباب پیاده رفتن بر سواره بودن و نیز استحباب رفتن با پای برهنه در حج» باز کرده و یازده روایت در این خصوص ذکر نموده و محدث نوری رحمته الله در مستدرک وسایل، دوازده روایت دیگر بر آن افزوده است. از جمله امام صادق علیه السلام می فرمایند:

ما عبدالله بشيء أفضل من المشى. (۱)

خداوند به چیزی بالاتر از مشی (پیاده رفتن) عبادت نشده است.

کریم اهل بیت علیهم السلام امام حسن مجتبی علیه السلام بیست و پنج مرتبه با پای پیاده به

کربلا، معبری به ظهور / ۱۳

حج مشرف شدند و سید الشهداء علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام نیز با پای پیاده به حج می رفتند ^(۱).

در ابواب المزار کتاب وسایل الشیعه نیز بابی با عنوان «استحباب المشی الی زیارة الحسین علیه السلام و غیره» وجود دارد که روایات مربوط به استحباب (مستحب بودن) رفتن به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با پای پیاده را ذکر نموده است. از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند:

من أتى قبر الحسين علیه السلام ماشياً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة و
محي عنه ألف سيئة و رفع له ألف درجة فإذا أتيت فاغتسل و غلق
نعليك و امش حافياً و امش مشى العبد الذليل.

هر کس که با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود خداوند برای او با هر قدم هزار حسنه می نویسد و هزار گناه او را پاک می کند و هزار درجه بر درجات او می افزاید. پس اگر به قبر شریفش رسیدی غسل کن و کفش هایت را از پاهایت بیرون بیاور و با پای برهنه همچون بنده ذلیل راه برو...

و در باب «استحباب زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام ماشياً ذهاباً و عوداً» روایتی عجیب از امام صادق علیه السلام آورده که آن حضرت می فرمایند:

من زار امیرالمؤمنین علیه السلام ماشياً كتب الله له بكل خطوة حجة و عمرة
فإن رجع ماشياً كتب الله له بكل خطوة حجتين و عمرتين.

هر کس با پا پیاده به زیارت امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام برود به

ازای هر قدم برای او ثواب یک حج و یک عمره نوشته می‌شود و آن هنگام که پیاده بر می‌گردد برای هر قدم ثواب دو حج و دو عمره برایش نوشته می‌شود.

اربعین در عراق قابل توصیف نیست. فقط باید از نزدیک شاهد عظمت آن بود. عشایر و قبایل عرب با دایر نمودن مواکب، کمر همت به خدمت زوار می‌بندند و به پذیرایی از زائران می‌پردازند. قدم به قدم آب، آب میوه، چای، میوه، غذای سرد و گرم و شب‌ها، مکان خواب و استراحت در دسترس زائران است. عصرها و در نزدیکی‌های غروب ساکنان شهرها و روستاها، در مسیر حرکت زائران حاضر می‌شوند و با التماس، اصرار و گاه سوگند و قسم از آنان می‌خواهند که شب را در منزل آنان سپری کنند. میزبان‌ها متناسب با بضاعت خویش به بهترین نحو از میهمانان پذیرایی نموده و از هیچ خدمتی حتی شستن جوراب‌ها و لباس زوار ابایی ندارند بلکه به آن افتخار هم می‌کنند.

در میان اهالی عراق معروف است که یکی از مؤمنان حضرت اباعبدالله علیه السلام را در عالم رؤیا زیارت کرد و دید آن حضرت بر دروازه کربلا ایستاده‌اند و به زائران اربعین هدیه می‌دهند؛ ولی به برخی دو برابر عنایت می‌کنند. علت این امر را جویا می‌شود. به او می‌گویند: آنان که دو برابر پاداش می‌گیرند کسانی هستند که از زائران آن حضرت پذیرایی می‌کنند.

- رفتار محبت‌آمیز مأموران و نیروهای ارتش و پلیس (شرطه‌ها) با مردم و گاه مشارکت آنان در پذیرایی از زائران و نیز نقل و انتقال مردم با ماشین‌های نظامی در برخی از مواقع؛

- حجاب کامل، بی آرایش و بدون زینت زنان که اغلب با روبند، دستکش می‌باشند و نیز وقار و متانت و حیای مردان و جوانان؛

- مراکزی که برای ارائه خدمات درمانی برپا شده؛

- وفور نعمت به گونه‌ای که این میلیون‌ها نفر جمعیت حتی برای یک لحظه تشنه و یا گرسنه نمی‌مانند!

- رقابتی که میان مواکب برای پذیرایی از زائران وجود دارد به گونه‌ای که گاهی از اوقات برای آن که دل آنها نرنجد و التماس آنها بی‌پاسخ نماند، دعوت آنان را می‌پذیرند و بر سفره طعامشان حاضر می‌شوند، تعجب هر کس را که برای نخستین بار در این اجتماع حاضر می‌شود را بر می‌انگیزد.

برخی مواکب (هیئت‌ها) تشت‌هایی دراز و مستطیل شکل با آب ولرم تعبیه کرده‌اند و اقدام به شستشوی پای زوار می‌کنند. جالب آن که این آب را جهت شفای بیماران خود می‌برند و به آن تبرک می‌جویند...

به هر طرف که نگاه می‌کنی شور و صفا و صمیمیت موج می‌زند. هر کس می‌خواهد گره‌ای باز کند. هر کس می‌خواهد به دیگران خدمتی کرده باشد. باز ناخودآگاه به یاد روایات زمان ظهور می‌افتی که در پرتو ولایت ولی خداوند همه جا سفره‌های اطعام گسترده است؛ زندگی صلواتی می‌شود؛ کینه‌ها و دشمنی‌ها جای خود را به صمیمیت و مهربانی می‌دهد؛ فقیری برای صدقه دادن پیدا نخواهد شد؛ گرسنه‌ای باقی نخواهد ماند؛ حتی حیوانات نیز به یکدیگر تعرض نخواهند کرد...

ناگفته نماند هر ساله در این ایام، عوامل وابسته به وهابیت تهدید به

عملیات انتحاری و بمب گذاری در مسیرهای منتهی به کربلا می کنند و گاه با ایجاد انفجار، زائران بی گناه را به خاک و خون می کشند؛ اما علیرغم همه این گونه اقدامات و تهدیدات، هر ساله بر شمار زائران اربعین افزوده می شود تا آن جا که سال گذشته اخبار و نقل قول ها از حضور پانزده میلیون نفر زائر در این مراسم حکایت می کرد.

کدام آیین و مذهب در جهان قادر است چنین شور و هیجانی بیافریند؟
کدامین حزب و گروه توانایی دارد چنین همایش عظیمی را سازماندهی نماید؟

ولی ای کاش یک بار هم که شده یکی از این اجتماعات، مبدل به آن اجتماع می شد که مد نظر امام عصر علیه السلام است.
حضرت بقیة الله عجل الله فرجه در فرازی از نامه خویش به شیخ مفید رحمته الله می فرماید:

اگر شیعیان ما که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موفق بدارد، با دل های متحد و یک پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می کردند ملاقات ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت برای آنها به زودی حاصل می شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می شدند. ^(۱)

وقتی در اربعین حسینی، جمعیت عزادار دسته دسته به حرم مطهر حضرت اباعبدالله علیه السلام و قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام وارد

می‌شوند و فریاد «لیبک یا حسین» و «لیبک یا عباس» سر می‌دهند، آن گونه که در و دیوار به لرزه در می‌آید و اشک از گونه‌های حاضران جاری می‌شود، به یاد «هل من معین» غریبانه سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا می‌افتی که بی‌پاسخ ماند و با خود می‌گویی: ای کاش این جمعیت در روز عاشورا بودند و «هل من ناصر» فرزند پیامبر را لیبک می‌گفتند و آرزو می‌کنی ای کاش اینان که با این شور و حرارت «لیبک یا حسین» می‌گویند، هم اکنون گوش جان بگشایند و ندای «هل من ناصر» غریبانه فرزند ابا عبدالله علیه السلام یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام را بشنوند و به آن لیبک بگویند و در آن مکان شریف با منتقم ابا عبدالله علیه السلام و امام زمان خویش بیعت کنند و فریاد «لیبک یا مهدی» سر دهند و برای یاری آن حضرت اعلام آمادگی نمایند و در زیر قبه سید الشهداء علیه السلام برای تعجیل فرج دعا کنند.

آری؛ حداقل در ظاهر امر این گونه به نظر می‌رسد که چنین اجتماع بی‌ظنیری که حول محور ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام شکل می‌گیرد می‌تواند اجماع قلبی را که مورد نظر حضرت ولی عصر عجل الله فرجه می‌باشد در میان شیعه ایجاد نماید و در نتیجه، این فرمایش امام زمان علیه السلام که بیش از هزار سال است بر زمین مانده، جامه عمل بپوشد.

آن گونه که از روایات بر می‌آید اراده و خواست قلبی مردم؛ دعای آنان برای تعجیل فرج و آمادگی آنها برای یاری حضرت ولی عصر علیه السلام قطعاً در جلو انداختن زمان فرج مؤثر است. شیعه امروز باید بداند که از یک منظر خانه نشینی امیر مؤمنان علیه السلام، غربت امام حسن علیه السلام، شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام،

مظلومیت سایر ائمه علیهم السلام و غیبت امام عصر علیه السلام همه و همه از یک جنس و از یک مقوله می باشند. یکی از علل عمده خانه نشینی امیر عالم هستی آن هم برای ۲۵ سال، همین کمی یار و یاور بوده است و آن حضرت خود بارها و بارها در پاسخ کسانی که دلیل سکوت ایشان را در حوادث پس از پیامبر صلی الله علیه و آله جویا می شدند فرمودند:

اگر در روزی که با ابوبکر بیعت شد چهل نفر می یافتم که مطیع من باشند با آنان به جهاد بر می خاستم... (۱)

و حضرت زهرای اطهر علیها السلام در پاسخ به سؤال عمرو بن لبید راجع به دلیل عدم اقدام عملی امیر مؤمنان علیه السلام برای احقاق حق خویش پس از غصب خلافت فرمودند:

مثل الإمام مثل الكعبة إذ توتى ولا تأتى. (۲)

امام همانند کعبه است که مردم باید به سوی او بروند. او (به سوی مردم) نمی آید.

و امام حسن مجتبی علیه السلام به دلیل نداشتن یارانی باوفا به آتش بس با معاویه تن دادند و در این باره به زید بن وهب جهنی فرمودند:

به خدا سوگند! اگر با معاویه می جنگیدم هم اینان که ادعای شیعه بودن می کنند گلوی مرا می گرفتند تا به معاویه تسلیم کنند.

به خدا سوگند! اگر صلح کنم و عزیز باشم بهتر از آن است که دلیل

کشته شوم و یا این که بر من منت گذارند و رهایم سازند. (۱)

و در جای دیگری مظلومانه فرمودند:

والله ما سلّمت الامر اليه الا اني لم اجد انصارا و لو وجدت انصارا
لقاتلته ليلي و نهاري. (۲)

به خدا سوگند! من کار را به معاویه واگذار نکردم مگر به این دلیل
که یاورانی نیافتم و اگر یارانی داشتم که مرا یاری می‌کردند شبانه
روز با معاویه می‌جنگیدم.

در صحرای کربلا چه عاملی باعث شد پرورده دامن رسول
خدا ﷺ، زاده زهرای بتول عليها السلام و سرور جوانان اهل بهشت به همراه
هجده تن از بنی هاشم که در عالم نظیری نداشتند مظلومانه و غریبانه به
شهادت برسند؟

در زمان امام صادق عليه السلام روزی سدید صیرفی بر آن حضرت وارد شد
و عرضه داشت: به خدا سوگند! اکنون زمان نشستن شما نیست. [بلکه
باید قیام نمایید.]

آن حضرت دلیل سخن سدید را جویا شدند.

او در پاسخ عرض کرد: به خاطر فراوانی دوستان و پیروان و یارانانتان.
به خدا قسم اگر امیر مؤمنان عليه السلام به اندازه شما یار و مددکار داشت هرگز
قبایل تیم و عدی (از قبایل قریش) بر خلافت و حکومت طمع

نمی‌کردند. (۱)

امام علیه السلام در ادامه از تعداد یاران و موالیانی که سدیر از آنها سخن می‌گفت سؤال فرمودند. سدیر پاسخ داد: تعداد آنها صد هزار نفر است. وقتی تعجب حضرت را دید گفت: بلکه دویست هزار نفر و سپس ادامه داد: بله؛ نیمی از مردم دنیا یاران شما هستند. حضرت در پاسخ سدیر فرمودند: با ما به «ینبع» (از روستاهای مدینه) بیا.

سدیر می‌گوید: به همراه حضرت به راه افتادیم تا آن که وقت نماز در سرزمینی پیاده شدیم. امام صادق علیه السلام در این هنگام به جوانی که مشغول چرانیدن گوسفندان خود در آن نزدیکی بود نگاهی کرده و خطاب به من فرمودند:

یا سدیر والله لو كان لی [شیعة] بعدد هذه الجدیان ما وسعنی القعود.

ای سدیر! به خدا قسم اگر پیروان من به تعداد این بزها بودند بر جای نمی‌نشستم (وقیام می‌کردم).

سدیر می‌گوید: پس از تمام شدن نماز بزهای آن گله را شمردم، تعدادشان از هفده تجاوز نمی‌کرد! (۲)

متأسفانه این بعد از ابعاد غیبت کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. خیلی از شیعیان نمی‌دانند که اگر حاضر به فداکاری در راه امام خویش باشند و با جان و دل، ظهور آن حضرت را از خداوند طلب کنند راه را

۱- خلیفه اول از قبیله تیم و دومی از قبیله عدی بوده است.

۲- اعلام الدین دیلمی: ص ۱۲۳؛ کافی: ج ۲، ص ۱۹۰.

برای ظهور هموارتر خواهند ساخت. بسیاری از شیعیان نمی دانند که امام زمانشان همچون اجداد طاهرینش بی یار و مددکار، اسیر زندان غیبت است. حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام امام اهل زمان خویش بود؛ ولی اهل آن زمانه امام خویش را غریب و تنها گذاشتند و امروز هم حضرت حجة بن الحسن علیه السلام امام اهل این زمان است و در میان مردم این دوران غریبانه و مظلومانه روزگار می گذرانند. به راستی اگر میلیون ها نفر در یک مقطع زمانی خاص و در یک مکان (آن هم بهترین مکان روی زمین که اجابت دعا در آن تضمین شده است یعنی تحت قبه سیدالشهداء علیه السلام)^(۱) گردهم آیند و برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام دعا کنند و همگی حاضر به جانفشانی و فداکاری در راه آن حضرت باشند امید نیست که دعایشان مستجاب و رحمت الهی شامل حالشان گردد؟ همان کاری که قوم حضرت موسی علیه السلام کردند و جواب گرفتند. بنی اسرائیل وقتی از ظلم و ستم فرعونیان به ستوه آمدند با تضرع به درگاه الهی توبه کردند و چهل روز ناله و ضجه زدند و ظهور زود هنگام منجی خویش را از خداوند درخواست نمودند. خدای متعال نیز از صد و هفتاد سال باقی مانده غیبت حضرت موسی علیه السلام صرف نظر فرمود و منجی بنی اسرائیل را زودتر از موعد مقرر و مقدر به سوی آنان فرستاد و امام صادق علیه السلام فرمودند:

هكذا لو فعلتم لفرّج الله عنا...^(۲)

۱- محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر و امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ان الله تعالى عوّض الحسين علیه السلام من قتله ان جعل الامامة في ذريته والشفاء في تربته واجابة الدعاء عند قبره... خداوند عوض شهادت حضرت حسین علیه السلام امامت را در ذریه او، و شفا را در تربتش قرار داد و دعا در نزد قبر آن حضرت مستجاب است... (امالی طوسی: ج ۱، ص ۳۲۴).

۲- تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۱۵۵.

اگر شما نیز چنان کنید خداوند فرج ما را خواهد رساند.

چرا جامعه شیعه تاکنون چنین اضطراری را در خود احساس نکرده است؟ چرا تاکنون از ظرفیت عظیم مناسبت‌هایی همچون اربعین، عاشورا، شب‌های قدر، نیمه شعبان و... برای ایجاد همدلی در میان قاطبه شیعیان و درخواست همگانی فرج بهره برداری نشده است؟

شاید بتوان «غفلت» را علت این امر دانست. شاید هم کسی بگوید مردم عادی گناهی ندارند. شیعه‌ای که حاضر است جان خود را در کف دست گیرد و علیرغم تهدید عوامل وهابیت مبنی بر بمب گذاری و... به زیارت سیدالشهدا علیه السلام بیاید اگر بداند این از جان گذشتگی و عزم جزم و تصمیم قلبی او برای یاری حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و دعای خالصانه برای ظهور در تعجیل فرج مؤثر است از بذل جان و توان و زبان خویش در راه منتقم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام دریغ نخواهد کرد؛ مقصر آنانی هستند که باید می‌گفتند؛ اما نگفتند و آنان که باید می‌نوشتند؛ اما ننوشتند و آنان که باید متذکر می‌شدند ولی به این کار مبادرت نکردند و...^(۱)

در هر حال آن چه گفتیم آرزوی شیرینی است که تنها دعای من و شما در تحقق آن نقش دارد و ما تنها می‌توانیم از خداوند طلب کنیم که هر چه زودتر چنین امر خجسته‌ای اتفاق بیفتد، زیرا علل و عوامل دیگری نیز باید دست به دست هم بدهد تا این اجتماع و اجماع قلوب شیعه حاصل

۱- و البته این قصور و تقصیر خواص شیعه و متعاقب آن جهل عوام مردم زمینه را برای شیادانی فراهم می‌کند که هر از چند گاه از گوشه و کنار عراق و ایران و... سر بلند نموده و خود را سید حسنی، سید یمانی، مرتبط با امام عصر علیه السلام معرفی می‌نمایند و برخی مردم ساده دل را نیز فریب داده و گمراه می‌سازند.

شود اگر چه خدایی که «مقلب القلوب» و سر رشته دار دل هاست می تواند «کلمح البصر» یعنی چشم بر هم زدنی، قلوب اهل عالم را به سوی حضرت بقیة الله عجل الله فرجه متمایل گرداند.

فرا تر از آمال و آرزوها، آن چه در حال حاضر و در مقام عمل از عهده ما بر می آید آن است که از قافله زوار سیدالشهدا علیه السلام عقب ننایم و فرصت ها را برای سفر به کربلای معلای دست ندهیم و در صورت توفیق، از لحظه حرکت نیت خود را «تعجیل فرج امام عصر علیه السلام» قرار داده و در زیر قبه سامیه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در رأس همه حاجات، ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه را از خداوند متعال خواستار شویم و به همسفران و دیگرانی که عازم عتبات می باشند نیز اهمیت دعا برای تعجیل فرج را گوشزد نماییم. یادمان نمی رود تا چند سال پیش که هنوز صدام ملعون بر عراق حاکمیت داشت و راه کربلا بسته بود چگونه در همه محافل و مجالس با التماس و تضرع از خداوند، باز شدن راه بسته شده کربلا را طلب می کردیم و چه بسیار مردان و زنانی که حسرت زیارت کربلا بر دل هایشان ماند و این آرزو را با خود به گور بردند! هم اینک با عنایت امام زمان علیه السلام راه کربلا باز شده است. آیا رسم ادب این نیست که با دعا برای آن حضرت این نعمت را سپاس گوئیم و البته خداوند در قرآن می فرماید:

﴿ وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ ﴾ (۱)

از بندگان من عده اندکی سپاسگزارند.

یکی از علمای وارسته و برجسته نجف به کربلای معلا مشرف می شود و در حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام به محضر حضرت مهدی علیه السلام شرفیاب می گردد. حضرت به او می فرمایند:

فلانی! ببین این جا که (در کنار کنار ضریح جدّ غریبم و زیر گنبد طلای آن) دعا مستجاب است مردم به فکر من نیستند و برای فرج من دعا نمی کنند. (۱)

و آنان که به هر دلیل توفیق حضور در کنار ضریح شش گوشه ابا عبدالله علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج تحت قبّه آن حضرت را ندارند در اقامه عزا و برپایی مجالس سوگواری آن حضرت و شرکت در این محافل اهتمام جدی نمایند و پس از ذکر مصایب و جاری شدن اشکها و شکستن دلها برای ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه از سویدای دل دعا نمایند زیرا همان گونه که اجابت دعا تحت قبّه سیدالشهدا علیه السلام ضمانت شده است دعا در مجالس عزای آن حضرت نیز مستجاب است و این گونه مجالس به فرموده حضرتش، حرم آن جناب است.

مؤلف کتاب شریف «سحاب رحمت» می گوید:

مرحوم حاج محمد محمدی یزدی که از نیکان و ساکنان کربلا بود
برایم نقل نمود:

هنگامی که ما را از عراق بیرون می کردند خیلی ناراحت بودم که چگونه حرم مطهر امام حسین علیه السلام را رها کنم؛ اما با فشار مأمورین عراقی و

کربلا، معبری به ظهور / ۲۵

اصرار مادرم ناچار برای وداع به حرم آن حضرت مشرف شدم؛ ولی از علاقه زیادی که به آن حضرت داشتم نمی توانستم (از حرم) دل بکنم. با گریه شدید از حرم بیرون می آمدم و دوباره بر می گشتم. زیاد این کار را تکرار نمودم. ناگاه سیدالشهدا علیه السلام را در بیداری دیدم که فرمودند:

به ایران برو؛ هر کجا مجلس عزای من باشد آن جا حرم من است.

آن مرحوم به قم آمده و در همان جا از دنیا رفت. (۱)

مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری رحمته الله در کتاب «الخصائص الحسينية» که از مهم ترین و معتبرترین کتاب هایی است که راجع به حضرت ابا عبدالله علیه السلام به رشته تحریر درآمده راجع به خواص مجالس گریه بر آن حضرت می نویسد:

مجلس عزاء، قبه امام حسین علیه السلام است زیرا که قبه آن جناب همان تنها بنیان مخصوص نیست بلکه قبه او عبارت است از خضوع و خشوع، پس هر مجلسی که مشتمل باشد بر خضوع و خشوع خصوصاً از برای ذکر آن جناب، همان قبه آن حضرت است و اجابت دعا در آن خواهد بود. (۲)

علامه میر جهانی رحمته الله در کتاب نفیس «البكاء للحسين علیه السلام» در بیان فضایل مجالس عزای سیدالشهدا علیه السلام این گونه می نویسد:

... این مجالس عزاء، قبه سامیه حضرت ابا عبدالله حسین علیه السلام و محل

۱- سحاب رحمت: ص ۹۳.

۲- اشک روان بر امیر کاروان: ص ۲۵۶ (ترجمه کتاب شریف الخصائص الحسينية).

اجابت دعاست و باید دانست که مراد از «قبّه»، قبّه ظاهریه نیست بلکه مراد از قبّه آن جناب، مجالس عزایی است که منعقد می‌شود در هر جایی از زمین که در آن جا شیعیان و دوستان خاشع و خاضع و گریان می‌شوند. پس در هر مجلسی که خضوع و خشوع و دلشکستگی و سوزش قلب برای امام حسین علیه السلام حاصل شود در هر زمان و مکانی که باشد یقیناً در تحت قبّه امام حسین علیه السلام و محل قبولی و اجابت دعاست.

آری! مولای غریب ما حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام همه هستی خود را در صحرای کربلا تقدیم خداوند نمود و از هیچ فداکاری در مسیر رضایت پروردگار دریغ نفرمود. خدای متعال نیز اجابت دعا را در کنار مرقد آن حضرت ضمانت فرمود و طبیعی است اگر به احترام آن بزرگوار بندگان خود را حاجت روا نماید و دعاها را مستجاب نماید حتی اگر این حاجت، ظهور امام زمان علیه السلام باشد و دعا، دعا جهت تعجیل در فرج آن حضرت.

اگر بگویم راه ظهور از کربلا می‌گذرد سخنی به گزاف نگفته‌ایم. کربلا معراج مؤمنان، میعادگاه منتظران و میقات مهدی باوران است. ذکر «یا حسین» موانع فرج را درهم می‌شکند و دست اندازهای شیاطین انس و جن در مسیر ظهور را درهم می‌کوبد. حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام و مجالس عزای آن حبیب خدا، معبری آسان و گذرگاهی مطمئن برای رسیدن به ظهور حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله فرجه می‌باشد به شرط آن که با حالت توبه و اضطرار به درگاه خدا بنالیم و عاجزانه به درگاه خداوند

عرضه بداریم:

یا ربّ الحسین علیه السلام بحقّ الحسین علیه السلام اشف صدر الحسین علیه السلام
بظهور الحجّة علیه السلام.

و این فرمایش حضرت صاحب الامر علیه السلام را همواره به خاطر داشته
باشیم که:

... به شیعیان و دوستان من بگویند خدا را به حق عمه‌ام حضرت
زینب علیها السلام قسم دهند تا فرج مرا نزدیک گرداند. (۱)

الهی! به مصائبی که حضرت زینب علیها السلام در صحرای کربلا به جان
خرید؛ به زحمتی که در راه دین تو کشید؛ به محنتی که در راه توحید و
قرآن متحمل گردید؛ به شهامت و شجاعت شیر زن دشت نینوا، به صبر و
استقامتش، به غربت و مظلومیتش، به غصه‌های اسارتش: «عجل لولیک
الفرج». آمین.

گفتار دوم

گل سرسید

گل گفتن و گل شنیدن...

گل، نماد لطافت و زیبایی است. آرام بخش و دلنواز است. هر گلی، زیبایی ویژه خود را دارد. هر گلی، عطر مخصوص به خود را داراست. شاعران در وصف گل شعرها سروده‌اند و نغمه بلبل را عشق بازی با گل و چکامه فراق معنا کرده‌اند. هر جا بوی خوشی هست گلی را تداعی می‌کند.

زیباترین‌ها را همواره به گل مانند می‌سازند. دلدادگان عالم، محبوب خویش را به گل تشبیه می‌کنند.

وقتی خواستم امام عصر علیه السلام را به گل تشبیه کنم لحظه‌ای درنگ نمودم. در این تردید بودم آیا چنین تشبیهی صحیح است یا نه؟ دیدم پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را «ریحانة الرسول صلی الله علیه و آله» لقب داده‌اند و در روایات، دو گوشواره عرش خدا، سرور جوانان اهل بهشت امام حسن و امام حسین علیهما السلام را ریحانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده‌اند...

در گلستان خداوند گل‌های زیبا فراوان بوده‌اند. یکصد و بیست و

چهار هزار پیامبر و اوصیای آنان هر کدام گلی از گلزار زیبای خداوند می‌باشند و هر یک به نوبه خود زیبا، جذاب و معطر. در این میان برخی گل‌ها زیباتر و دلکش‌ترند و سرانجام چهارده گل که مانند آن‌ها نیامده و نخواهد آمد؛ اما در این میان زیبا گلی هست که از همه گل‌ها دلبری کرده است.

گل سر سبد شنیده‌ای؟

زیباترین گل را در مرکز مجموعه گل جای می‌دهند. این گل سر سبد است که چشم‌ها را خیره می‌سازد و دسته گل را زیبا و زیباتر می‌کند. این گل سر سبد است که در کانون توجه ناظران قرار می‌گیرد. و اما این گل سر سبد آفرینش چه نام دارد و کیست؟

هست به گلزار خدا تا ابد مهدی موعود گل سر سبد

زیبایی سلسله انبیا به این گل است. خوشبوترین گل‌های جهان، زیبایی و طراوت خویش را از این گل وام گرفته‌اند. خالق گل‌ها، خدای گل آفرین نیز به این گل می‌بالد. اگر این گل نباشد زحمات تمام انبیا بی‌ثمر خواهد ماند.

حتی بهشت خدا نیز با این گل زینت و زیور گرفته است:

المهدی طاووس أهل الجنة. (۱)

مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است.

هم اکنون باغ هستی به اعتبار این گل پا برجاست. سایر گیاهان حتی

علف‌های هرزه این باغ به طفیل این گل آب حیات می‌نوشند:

و یمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الأرض والسماء^(۱).

و به برکت او مردم روزی داده می‌شوند و به وجود او زمین و آسمان ثابت و برقرار است.

تنها به خاطر این گل است که باغبان، باغ هستی را آبیاری می‌کند. اگر این گل نباشد به «طرفة العینی» باغبان باغ را ویران خواهد ساخت.
لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت.^(۲)

اگر زمین بدون امام بماند، حتما فرو خواهد رفت.

گلی که عطر حیات می‌پراکند؛

زیباترین گل در گلستان خداوند؛

گل نرگس؛ گل همیشه بهار؛

گل بی خار.

می‌گویند: با یک گل بهار نمی‌آید!

مدعی گوید که با یک گل نمی‌گردد بهار

ماگلی داریم، عالم را گلستان می‌کند

گلی که خدا هم به پای او گل خواهد ریخت. گلی که برگزیدگان

خداوند نیز دل در گرو محبت او دارند و اشتیاق زیارتش را در دل

پرورانده‌اند.

از سال‌ها پیش از آن که این گل بر شاخسار نرجس شکوفا شود

شیطان صفتان در کمین بودند تا او را نیز پرپر سازند. همان‌ها که پیش از آن

گل یاس پیامبر ﷺ و غنچهٔ نشکفته‌اش را پرپر ساخته بودند. سنگدلانی

۲- غیبت نعمانی: باب ۸، ح ۸.

۱- مفاتیح الجنان: دعای عدیله.

که گل‌های باغ رسالت را در کرب و بلا به خاک و خون کشیده بودند و بدین سان بود که خداوند این زیباترین گل را از دسترس مردمان مخفی ساخت تا آن زمان که بشر، قدر این گل را بداند و لیاقت دیدار او را پیدا کند و متعهد به حفاظت و حراست از او در برابر شیاطین گلچین گردد.

در غیاب این گل، سر و کار بشر با تیغ و خار و خارستان خواهد بود. بشر با دست خود، سزاوار این حرمان و غیبت گردید و با دست خود می‌تواند پرده غیبت را پاره کند و دوباره هم صحبت این گل باشد...

و من یقین دارم در زمانی که دور نخواهد بود همگان «گل نرگس» را فریاد خواهند کرد؛ عطر گل نرگس فراگیر خواهد شد؛ در سرتاسر زمین گل نرگس خواهد رویید و مردمان پروانه‌وار برگرد گل نرگس طواف خواهند کرد. و من... هیچ کس را به اندازه گل نرگس دوست ندارم. گل نرگس مرهم غم‌های من است. نامش کامم را شیرین و یادش دلم را آرام می‌سازد. از آن زمان که خدای مهربان مرا با گل نرگس آشنا ساخت لحظه‌های زندگی‌ام سرشار از عطر دل‌انگیز این گل شده است. در باغچه احساسم فقط گل نرگس می‌کارم. زندگی‌ام، رنگ گل نرگس گرفته است. به آن‌هایی که دوستشان دارم شاخه‌ای از گل نرگس هدیه می‌کنم و همواره از خدا می‌خواهم لحظه‌ای و کم‌تر از آنی مرا از گل نرگس جدا نکند و از یادش غافل نسازد...

هر کس به گلی علاقه دارد باشد دل من اسیر نرگس
در نزهت و در صفا و پاکی کی هست گلی نظیر نرگس!؟ ...

گفتار سوم

پایان حزن شیعه

در این روزها - که مشغول تنظیم این نوشته‌ها می‌باشم - وضعیت شیعیان بحرین اسفبار است. رژیم حاکم بر آن کشور با کمک نظامیان آل سعود - که گویا فرصتی مغتنم برای گشودن عقده‌های ضد شیعی خود به چنگ آورده‌اند - بی‌رحمانه به سرکوب شیعیان مشغولند. هر روز اخبار تازه‌ای از بازداشت، شکنجه، هجوم شبانه به خانه‌ها، یورش به مدارس و بیمارستان‌ها، تخریب حسینیه‌ها، هتک حرمت نوامیس، صدور احکام اعدام و... به گوش می‌رسد. در یک تبانی آشکار، مثلث یهود، نصارا و وهابیت حتی از انتشار اخبار مربوط به حوادث بحرین در رسانه‌ها هم جلوگیری کرده‌اند. آیا می‌توان ادعای محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را داشت و در قبال این جنایات بی‌تفاوت بود؟

البته عملاً نمی‌توان کاری کرد. تنها باید نظاره‌گر ماجرا باشیم؛ دندان روی جگر بگذاریم و خون دل بخوریم. هرگونه انتقاد و اعتراض از سوی هر دولت و ملتی به عنوان مداخله در امور داخلی بحرین تلقی خواهد شد!

این نخستین بار نیست که شیعیان به جرم محبت اهل بیت علیهم السلام آماج کینه توزی دشمنان واقع می شوند. با نگاهی به تاریخ در می یابیم که حیات شیعه از ابتدا با رنج و محرومیت گره خورده است و شیعیان همچون پیشوایان مظلوم و معصوم خویش در طول تاریخ همواره با غربت و مظلومیت روزگار گذرانده اند.

از صدر اسلام که به دستور معاویه لعنة الله علیه هر کسی متهم به دوستی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بود از دم تیغ می گذرانیدند تا زمان اخلاف او همچون ابن زیادها و حجاجها و تا روزگار ما که صدام و آل سعود و... پا جای پای معاویه گذاشته اند و تا آستانه قیام امام عصر علیه السلام که عنصری پلید به نام «سفیانی» خروج خواهد کرد این تقدیر در پیشانی شیعه حک شده است.

چاره چیست؟ چه می توان کرد؟ به که می توان پناه برد؟ به کجا و به چه کسی می توان شکایت برد؟ جز ذات مقدس الهی:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا

وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عِدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانُ عَلَيْنَا.. (۱)

بار الها ما به تو شکایت می کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور

پیامبرمان - که درودت بر او و آل او باد - و از پنهان بودن سرپرست

مهربانمان و از بسیاری دشمنانمان و کمی تعداد خودمان و از

فتنه ها و آشوب های سختی که دچارشان هستیم و به خاطر ظاهر

شدن روزگار علیه ما...

امام صادق علیه السلام از قول خداوند، اوصاف زمان غیبت امام عصر علیه السلام و ابتلای شیعه را این گونه توصیف فرموده است:

... دوستان او... یعنی حضرت مهدی علیه السلام - در زمان غیبتش خوار و زبون می‌شوند. سرهای آنها چون سرهای ترک و دیلم هدیه فرستاده می‌شود. آنها کشته می‌شوند؛ سوزانیده می‌شوند و تا زنده هستند با ترس و وحشت و اضطراب زندگی می‌کنند. زمین از خون آنها گلگون می‌شود. ناله و فریاد در میان زن‌های آنان اشکار می‌شود. آنها دوستان واقعی من هستند... (۱)

ولی آیا این غم و اندوه شیعه را خاتمه‌ای هست؟ و آیا نقطه پایانی برای غربت و مظلومیت شیعه متصور می‌باشد؟
پاسخ این سؤال را از زبان ابا الحجة امام حسن عسکری علیه السلام بشنویم.
آن حضرت در انتهای نامه‌ای که به علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق رحمته الله) مرقوم داشتند چنین فرمودند:

... و عليك بالصبر وانتظار الفرج فان النبي صلوات الله عليه وآله قال:

أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج،

ولا يزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي صلوات الله عليه وآله:

انه يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

فاصبر يا شيخي وأمر جميع شيعتي بالصبر... (۲)

۱- سیدل اولیاءه فی غیبتہ ویتھادون رؤسہم کما تتھادی رؤس التترک والدیلم فیقتلون ویحرقون ویكونون خائفین مرعوبین وجلین تصبغ الارض بدمائهم و یفشوا الویل والرین فی نساءهم اولئک اولیائی حقاً... (روزگار رهایی: ج ۱، ص ۳۸۷).

۲- مقدمه من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۱۴؛ مقدمه الامامة والتبصرة: ص ۲۰ (طبع موسسه

بر تو باد به صبر (در مشکلات و گرفتاری‌ها) و انتظار فرج، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.»

همواره شیعیان ما در غم و اندوه خواهند بود تا آن گاه که پسر مظهر ظهور کند، همو که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مژده داده:

«زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده است.»

صبر پیشه کن و تمام شیعیانم را به صبر و شکیبایی امر نما...

روز ظهور امام زمان علیه السلام روز پایان محنت و ابتلای شیعیان خواهد بود و جز با فرج امام عصر علیه السلام گشایش اساسی در کار شیعه به وجود نخواهد آمد. و از این روست که حضرت ولی عصر عجل الله فرجه فرموده‌اند:

واكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم. (۱)

برای تعجیل در فرج (زودتر فرا رسیدن زمان ظهور) بسیار دعا کنید زیرا که فرج و گشایش شما نیز در آن است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هنگامی که حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به شهادت رسیدند اهل ما در مدینه صدای گوینده‌ای را شنیدند که می گفت:

امروز بلا بر این امت نازل شد، دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه‌ها را با قیامش شفا داده و

دشمنانتان را بکشند. (۱)

حسن بن شاذان واسطی گوید: در زمانی که گروهی از عثمانیان در شهر واسط مرا اذیت می کردند نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشتم و در آن از جفای اهل شهر واسط و حمله ور شدن آنان به خودم شکایت کردم. جوابم را با دست خط مبارک خود چنین نوشتند:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرَهُ أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَانَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا: ﴿يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا
مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ (۲).

خداوند که نام او پر جلالت است از دوستان و پیروان ما میثاق گرفته که در زمان حکومت باطل صبر پیشه کنند. تو نیز صبر پیشه کن و منتظر حکم پروردگارت باش چرا که وقتی سید خلائق قیام کند (ظالمان) خواهند گفت:

﴿ای وای بر ما، چه کسی ما را از قبرمان برانگیخت؟ این است آن چه وعده کرد خداوند رحمان و راست گفتند رسولان﴾

خدایا! با ظهور امام عصر علیه السلام عزت شیعه را در عالم ظاهر بفرما.
بار الها! با ظهور امام زمان علیه السلام برای جامعه شیعه فرج و گشایش
عنایت فرما.

۱- قال الصادق علیه السلام: لما قتل الحسين علیه السلام سمع اهلنا قائلاً بالمدينة يقول: اليوم نزل البلاء على هذه الامة فلا ترون فرحاً حتى يقوم قائمكم فيسفي صدوركم ويقتل عدوكم... (كامل الزيارات: زیارت نادره، ح ۱۴). ۲- سورة يس: ۵۲، بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۸۹.

علامت را بشناس

فرض کنید از شهر محل زندگی خود بار سفر بسته‌اید. آن هم به سوی مقصدی که تا کنون به آن جا نرفته‌اید و از مسیری که برایتان ناشناخته است و برای نخستین بار در آن قدم می‌گذارید. به شما گفته‌اند: گردنه‌های تند، دره‌های عمیق و راهی پر پیچ و خم در پیش رو دارید؛ راه‌های فرعی و انحرافی (بی‌راهه‌ها) در طول مسیر فراوان است؛ راهزنان در اکثر نقاط به کمین نشسته‌اند؛ حیوانات درنده ممکن است به شما آسیب برسانند؛

...

چه می‌کنید؟ شرط عقل چیست؟

عقل، اقتضا می‌کند با هوشیاری کامل و چشمانی باز گام در مسیر بگذارید. اگر به نقشه راه دسترسی دارید همواره آن را همراه خود داشته باشید. به نشانه‌ها، تابلوها و علائمی که قدم به قدم در کنار جاده نصب شده‌اند توجه کنید. هشدارهای داده شده را جدی بگیرید. حتی الامکان

با افراد مطمئن همسفر و هم گام شوید. در هر نقطه از مسیر که متحیر ماندید و در تشخیص راه از بیراهه دچار شک و تردید شدید از آنانی که آگاهند و راه را به خوبی می شناسند کمک بگیرید. در غیر این صورت ممکن است هرگز به انتهای مسیر و سر منزل مقصود راه نیابید.

کسانی که راه را از چاه شناسند و به نشانه‌ها و علائم بی توجه باشند و از راهنمایان دلسوز و مطمئن کمک نگیرند یا سرگردان و در نهایت هلاک خواهند شد و یا خوراک درندگان بیابان می شوند و یا راهزنان، هستی شان را به یغما خواهند برد.

این حکایت، حکایت مردم زمان غیبت است و ضرورت آشنایی با علائم ظهور را ملموس تر می سازد. شناخت نشانه‌های ظهور از جمله وظایف شیعیان در زمان غیبت است.

شاید برخی پرسند فایده علائم ظهور چیست؟ و چرا صدها روایت راجع به نشانه‌های ظهور از ناحیه پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان شده است؟ چرا بزرگان شیعه در کتاب‌های خود (شیخ صدوق در کمال الدین، نعمانی در الغیبة، شیخ طوسی در کتاب غیبت، محدث نوری در نجم الثاقب و...) فصلی جداگانه به این موضوع اختصاص داده و به تفصیل از نشانه‌های ظهور سخن به میان آورده‌اند؟ به نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل این امر، آگاه ساختن شیعیان و آماده نمودن آنان برای مقابله با فتنه‌های عصر غیبت است.

مؤلف کتاب کم نظیر مکیال المکارم در جلد دوم کتاب خویش معتقد

است شیعیان بیش از هشتاد وظیفه خاص نسبت به وجود مقدس امام عصر علیه السلام بر عهده دارند و در این راستا بیست و یکمین تکلیف شیعه در زمان غیبت را شناخت نشانه‌های ظهور بر شمرده و ضمن اقامه دلیل عقلی و نقلی بر این مطلب می‌نویسد:

... ائمه معصومین علیهم السلام نشانه‌های ظهور را بیان فرموده‌اند تا راستگویان از دروغگویان تشخیص داده شوند و در برخی روایات از وقوع فتنه‌هایی خبر داده‌اند که گمراهان (و جاهلان) در آن فتنه‌ها فرو خواهند رفت؛ ولی آنان که احادیث امامان را روایت کرده‌اند و نیز کسانی که پیشاپیش از وقایعی که در روایات به آن‌ها اشاره شده آگاهی داشته باشند به فتنه نیفتاده و گمراه نخواهند شد... نمی‌بینید بسیاری از کسانی که از دین روی بر تافتند و مرتد شدند و به دنبال گمراه‌کنندگان ملحد به راه افتادند - چه در زمان ما و چه پیش از این زمان - گمراهی و ارتدادشان به واسطه ندانستن علائم ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام و ویژگی‌های آن جناب بوده است؟ بنابراین هم خود گمراه شدند و هم دیگران را گمراه ساختند. اگر آنان به کسب آگاهی و تحصیل معرفت روی آورده بودند و در پی شناخت امام زمان خویش و صفات و علائم و نشانه‌های ظهور آن حضرت که بر همه واجب است بر آمده بودند، در زمره نجات‌یافتگان بودند و از دین دست بر نمی‌داشتند...

کافی است به روند شکل‌گیری بهائیت در ایران نظری بیفکنید. وقتی بنیانگذار فرقه شیخیه بحث رکن رابع را که بدعتی آشکار در اعتقادات

شیعه به حساب می آمد مطرح ساخت، بعدها سید علی محمد شیرازی خود را باب امام علیه السلام و سپس مهدی موعود معرفی کرد و سرانجام از شکم این فتنه میرزا حسن علی نوری معروف به بهاء الله بیرون آمد که دعوی الوهیت! و نسخ شریعت اسلام کرد و بدین سان فرقه ضالّه بهائیت متولد شد...

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به خاطر علاقه و محبتی که به دوستان خویش داشته‌اند با بیان نشانه‌های ظهور علاوه بر آن که مشت گمراهان و منحرفان را باز کرده‌اند بصیرت و آینده‌نگری شیعیان را تقویت نموده، صبر و تحمل آنان را افزون ساخته و انتظار و امید را همواره در دل آنان زنده نگه داشته و آمادگی آنان برای مقابله با حوادث احتمالی را بالا برده‌اند. به مثالی در این باره توجه کنید:

یکی از نشانه‌های پیش از ظهور «صیحه» است. ^(۱) یعنی صدایی که از آسمان شنیده خواهد شد.

هشام بن سالم می‌گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند:

(صیحه‌های پیش از ظهور) دو صیحه می‌باشد: یکی در اول شب دیگری در آخر شب دوم. پرسیدم: این دو صیحه چگونه‌اند؟ حضرت پاسخ دادند: یکی از آسمان است و دیگری از ابلیس. پرسیدم: چگونه این دو از هم تشخیص داده می‌شوند؟ فرمود:

۱- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: قائم علیه السلام را پنج نشانه است: (پیدایش) سفیانی، یمانی، صیحه‌ای از آسمان، کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در پیدا (خسف). (غیبت نعمانی: باب ۱۴، ح ۹).

يعرفها من كان سمع بها قبل ان تكون. (۱)

هر کس خبر آن را پیش از آن که واقع شود شنیده باشد آن را می‌شناسد.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به عبدالله بن سنان فرمود:

... (قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام) صدایی از آسمان بلند می‌شود که می‌گوید:

«ألا ان الحق في علي بن ابي طالب عليه السلام وشيعته.»

بدانید که حق با علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعیان اوست.

فردای آن روز ابلیس به هوا می‌رود تا آن جا که از چشم زمینیان مخفی می‌شود آن گاه بانگ بر می‌آورد:

«ألا ان الحق في عثمان بن عفان و شيعته فانه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» حق با عثمان بن عفان و شیعیان اوست زیرا که او مظلوم کشته شد، خون او را مطالبه کنید. (۲)

و امام صادق علیه السلام تأکید فرمودند: ما پیش از وقوع این رویدادها به شما خبر می‌دهیم تا آگاه باشید و گمراه نگردید.
در روایات متعدد آمده است که سفیانی در همان سال ظهور، ظاهر خواهد شد.

السفیانى والقائم عليه السلام فى سنة واحدة... (۳)

۱- غیبت نعمانی: باب ۱۴، ج ۳۲؛ بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۹۵.

۲- غیبت نعمانی: باب ۱۴، ج ۱۹، ۲۰.

۳- غیبت نعمانی: باب ۱۴، ج ۳۶؛ بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۳۹.

وامام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

... خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد. (۱)

اگر کسی امثال این روایات را ندیده و یا نشنیده باشد و در متن این حوادث قرار گیرد مبهوت و متحیر خواهد شد. در آستانه ظهور امام عصر علیه السلام وقایع و اتفاقات زیادی در عالم به وقوع خواهد پیوست. پرچم‌های زیادی بر افراشته خواهد شد، اختلافات، فتنه‌ها، صف بندی‌ها و درگیری‌ها به اوج می‌رسد. سفیانی، یمانی، خراسانی، حسنی و... از شخصیت‌ها و چهره‌های منفی و مثبت این دوره‌اند... آیا می‌توان چشم و گوش بسته با این حوادث مواجه شد؟ از کجا بدانیم وظیفه ما در مواجهه با هر یک از این رویدادها چیست؟

آشنایی با روایات و کلمات پیشوایان دین نه تنها ما را از فتنه‌های زمان ظهور به سلامت عبور می‌دهد که پیش از آن و در زمان غیبت نیز از افتادن در دام «توقیت» و «استعجال» و... حفظ می‌کند.

صاحب مکیال المکارم شصت و نهمین تکلیف شیعیان در زمان غیبت را «ترک التوقیت و تکذیب الموقتین» یعنی «وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گزاران» عنوان کرده و تأکید می‌کند علم به وقت ظهور مولایمان حضرت صاحب الامر علیه السلام از اسرار خداوند است که از بندگان خود مخفی داشته و برایشان آشکار ننموده...

مرحوم نعمانی رحمته الله باب شانزدهم از کتاب غیبت خود را به این

موضوع اختصاص داده و پانزده روایت از ائمه معصومین علیهم السلام در این باره ذکر می‌کند. از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند:

كذب الوقتون؛ إنا أهل بيت لانتوقت. ثم قال: أבי الله أن یخلف
وقت الموقتین. (۱)

تعیین کنندگان وقت (برای ظهور) دروغ می‌گویند: ما اهل بیت وقتی
را برای ظهور معین نمی‌کنیم...

(پس فرمود:)... زمانی را که تعیین کنندگان وقت معلوم می‌کنند
خداوند خلاف آن را ظاهر می‌سازد.

یکی از حکمت‌های این امر (مخفی داشتن زمان ظهور) که حاکی از
عنایت خاص الهی به مؤمنان زمان غیبت می‌باشد آن است که وقت ظهور
از امور بدائیه می‌باشد و ممکن است بنا به دلایل و شرایطی جلو بیفتد و یا
دچار تأخیر شود و اگر امامان علیهم السلام وقت خاصی را برای ظهور معین
می‌کردند و آن گاه آن وقت معلوم به خاطر برخی حکمت‌ها و اسباب به
تأخیر می‌افتاد بسیاری از مردم در عقیده خود دچار تردید می‌شدند
چنان‌که وقتی حضرت موسی علیه السلام به دعوت پروردگار و برای ملاقات با
خداوند از میان قوم خویش بیرون رفت به آنان وعده داد که سی روز دیگر
به میان آن‌ها باز خواهد گشت، هنگامی که خداوند بر آن سی روز، ده روز
دیگر اضافه فرمود بنی اسرائیل به یکدیگر گفتند: موسی علیه السلام با ما خلاف
وعده کرد؛ فریب سامری را خورده، به گوساله پرستی روی آورده و
مشرك شدند.

عدم تعیین وقت برای ظهور، اسرار و حکمت‌های دیگری نیز دارد. فردی را در نظر بگیرید که به دلیل ارتکاب جرم به زندان افتاده است. برای تعیین زمان آزادی او دو گزینه متصور است: اول آن که به او گفته شود در فلان تاریخ از زندان آزاد خواهی شد. دوم آن که زمان خاصی برای آزادی او معین نکنند و به او بگویند: آزادی‌ات به رفتار و عملکرد خودت بستگی دارد. اگر اظهار پشیمانی کنی و رفتار خود را تغییر دهی به زودی آزاد خواهی شد و در غیر این صورت در حبس باقی خواهی ماند. مسلماً گزینه دوم سازنده‌تر و با حکمت سازگارتر است. حکایت ما و غیبت و ظهور امام عصر علیه السلام نیز از همین قبیل است. ما به دست خود در زندان گرفتار شده‌ایم. جرم ما و نسل‌های پیشین، غفلت از توبه و عدم آمادگی برای پذیرش حجت خداوند و یاری نکردن اوست.

در بررسی و مطالعه علائم ظهور به این حقیقت دلگرم کننده و امید بخش دست می‌یابیم که ظهور امام عصر علیه السلام لزوماً در گرو تحقق نشانه‌های یاد شده در روایات نیست. از حضرت جواد الائمه علیه السلام سؤال شد: آیا خداوند در امور حتمی ظهور تغییری ایجاد می‌کند یا خیر؟

هل یبدوا لله فی المحتوم؟

آیا خداوند را در امور حتمی بدائی پدید می‌آید؟

حضرت فرمودند:

بلی.

راوی سؤال کرد: با این ترتیب ترس آن داریم که در مورد قائم علیه السلام نیز

برای خداوند بدا حاصل شود! حضرت فرمودند:

إِن الْقَائِمَ مِنَ الْمِعَادِ وَاللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ.^(۱)

همانا قائم علیه السلام از وعده هاست و خداوند خلاف وعده خود رفتار نمی‌کند.

از مؤثرترین اعمالی که نقش غیر قابل انکار در تعجیل فرج دارد درخواست قلبی و دعا به درگاه خداوند متعال است و راجع به نقش دعا در تعجیل فرج کتاب شریف «مکیال المکارم» به راستی حق مطلب را ادا کرده است.

تذکر این نکته نیز ضروری است که وظیفه قلبی و اعتقادی ما «نزدیک دانستن زمان ظهور» است ما باید آرزو کنیم که همین الان فرج صورت گیرد و حتی یک روز هم به تأخیر نیفتد مگر نه این که در دعای عهد می‌خوانیم:

﴿ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا * وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴾.

آنها (مخالفان) آن را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم.

در احادیث متعددی به شیعیان توصیه شده است که هر صبح و شام منتظر فرج بوده و از رحمت الهی مأیوس نباشند.

از همین روست که باید همواره برای تعجیل در فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام دعا کنیم و از صمیم قلب و با دلی شکسته و چشمی اشک‌بار، بخشیده شدن باقی مانده غیبت را از خداوند طلب نماییم زیرا که خداوند متعال بر هر کار تواناست و قطعاً قادر است ظهور امام عصر علیه السلام را بدون وقوع نشانه‌های حتمی و غیر حتمی عطا فرماید.

تکالیف زمان غیبت

آیا تا به حال فکر کرده‌اید اگر ظهور امام عصر علیه السلام را درک کنید و توفیق حضور در آن روزگار را داشته باشید برای کدامین کار ناکرده افسوس خورده و کلمه «ای کاش» را بر زبان جاری خواهید کرد؟ یکی از اسامی روز قیامت «یوم الحسرة» است و ظهور را نیز «قیامت صغری» لقب داده‌اند. به یقین در آن روز بسیاری از مردم انگشت حسرت بر دهان خواهند برد و بر زمان‌های از دست رفته، عمرهای تباه شده و سرمایه‌های بر باد رفته ماتم خواهند گرفت و خویشان را سرزنش خواهند کرد.

درست است که گفته‌اند «هر وقت ماهی را از آب بگیری تازه است»؛ اما این ضرب المثل همه جا و همیشه صدق نمی‌کند. در سرگذشت حضرت موسی علیه السلام آمده است وقتی آخرین نفر از یاران موسی علیه السلام از دریا بیرون رفتند اولین نفر از اصحاب فرعون وارد دریا شدند و هنگامی که همه آنها در دریا جمع شدند خدای متعال باد را امر فرمود که دریا را به هم بزند و به یکباره کوه‌های آب بر سر فرعون و یارانش فرو ریخت.

فرعون (که عذاب خدا را مشاهده کرد و هلاکت خود را قطعی دید) گفت: ایمان آوردم به خدایی که جز او خدایی نیست و بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من از مسلمانانم. پس جبرئیل کفی از لجن برداشت و بر دهان او زد و گفت: آیا اکنون که عذاب خدا بر تو نازل شد ایمان آوردی در حالی که پیش از این از فساد کنندگان در زمین بودی؟^(۱)

گاهی اوقات، کار از کار می‌گذرد و پشیمانی دیگر سودی نخواهد داشت. پس از واقعهٔ جانسوز کربلا، گروهی از شیعیان تازه از خواب غفلت بیدار شدند و نهضت توأبین، قیام مختار، اعتراض مردم مدینه به سردمداری عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه و... در همین راستا شکل گرفت. ولی چه فایده که بزرگ‌ترین فاجعهٔ تاریخ و مصیبتی که سنگین‌تر از آن در آسمان و زمین مصیبتی نبوده و نخواهد بود در عاشورای سال شصت و یک هجری اتفاق افتاده بود.

چه خوب گفته‌اند که آب ریخته را نمی‌توان جمع کرد و آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.

حضرت سید الشهداء علیه السلام حجت خدا در میان اهل زمان خویش بود و مردم آن روزگار در قبال آن حضرت وظایفی بر عهده داشتند که عده‌ای بسیار قلیل از عهدهٔ انجامش برآمدند و سعادت ابدی را برای خویشان تضمین نمودند و امروز خلیفهٔ خدا در زمین وجود مقدس امام عصر علیه السلام می‌باشد و خوشا به حال کسانی که به وظایف خویش در قبال آن حضرت آگاهی دارند و در حد توان در انجام آنها کوشش می‌کنند.

۱- تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۱۸. به نقل از حیوة القلوب علامه مجلسی رحمته الله.

در این مجال و به منظور آشنایی برادران ایمانی، بخشی از وظایف شیعیان در زمان غیبت را متذکر می شویم و عاجزانه خدا را به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله سوگند می دهیم ما را در انجام این وظایف موفق فرماید. آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم در کتاب دیگری به نام «وظيفة الانام في زمن غيبة الامام» با استناد به روایات، وظایف مؤمنان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام را بر شمرده است و ما به طور اختصار به نقل آن می پردازیم:

۱- غمگین بودن از فراق آن حضرت و ناراحتی برای مظلومیت ایشان که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

نفس المهموم لنا المغمم لظلمنا تسبیح. (۱)

کسی که برای ما اندوهگین و برای مظلومیت ما غمگین باشد، نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد.

۲- در انتظار فرج و ظهور آن حضرت بودن که در روایات بسیاری، این انتظار افضل عبادات شمرده شده است و حضرت جواد الائمه علیه السلام فرموده اند:

إنَّ القائمَ منّا هو المهدیّ الَّذی یجبُ أن ینتظرَ فی غیبتِهِ ویطاعَ فی ظهورِهِ. (۲)

قائم ما همان مهدی است که در زمان غیبتش واجب است در انتظار او باشند و در زمان ظهور از او اطاعت کنند.

۳- گریه در فراق آن حضرت و اشک ریختن برای مصیبت‌ها و رنج‌های آن بزرگوار که از نشانه‌های ایمان است و امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

... ولتدمعنّ علیه عیون المؤمنین. (۱)

هر آینه چشم‌های مؤمنان بر او گریان خواهد بود.

۴- انقیاد و تسلیم به امر امام علیه السلام و عجله نکردن (یعنی چون و چرا در امر ظهور آن حضرت نکردن) که حضرت جواد الائمه علیه السلام فرموده‌اند:

... ویکذب به الوقتون ویهلك فیها المستعجلون وینجوا فیها المسلمون. (۲)

آنان که وقت برای ظهورش معین کنند دروغگو می‌باشند و عجله کنندگان هلاک می‌شوند و آنان که تسلیم باشند نجات می‌یابند.

۵- «صله با مال» یعنی از مال خود به آن حضرت هدیه دادن و از دارایی خود در مسیر رضایت آن حضرت خرج کردن (به ویژه کمک مالی به دوستان آن حضرت) که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند:

من لم یقدر أن یزورنا فلیزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا
و من لم یقدر علی صلتنا فلیصل صالحی موالینا یکتب له ثواب
صلتنا. (۳)

هر کس نمی‌تواند به زیارت ما بیاید صالحان از دوستان ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برایش نوشته شود و هر کس

۱- کمال الدین: ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۳۵. ۲- کمال الدین: ج ۲، ص ۳۷۸.

۳- کامل الزیارات: ۳۱۹.

نمی‌تواند (با مال خود) ما را صله نماید نیکان از دوستان ما را صله نماید تا ثواب صله نمودن ما برایش نوشته شود.

۶- صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت که به طور مفصل در نجم الثاقب به آن پرداخته شده است.

۷- شناخت صفات آن حضرت و عزم داشتن بر یاری ایشان در هر حال و ندبه و زاری در فراق آن جناب.

۸- طلب معرفت آن حضرت از خداوند و خواندن این دعا که در کتاب شریف کافی، کمال الدین و... از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعَرَّفَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعَرَّفَنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعَرَّفَنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنِ دِينِي. (۱)

خداوندا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خداوندا! رسالت را به من بشناسان چرا که اگر رسالت را به من نشناسانی حجتت را نخواهم شناخت. خداوندا! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی در دین خود گمراه خواهم شد.

۹- مداومت بر این دعا که از امام صادق علیه السلام روایت شده:

يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك. (۲)

ای خدا! ای مهربان! ای بخشنده! ای دگرگون کننده قلبها! قلب مرا

بر دین خود ثابت بدار. (۱)

۱۰- قربانی نمودن به نیابت از آن حضرت چنان که در نجم الثاقب نیز آمده.

۱۱- نبردن اسم اصلی آن حضرت (که اسم حضرت رسول الله ﷺ می باشد) جز در مواردی که خود نام برده اند مانند زیارت آل یس و... و یاد کردن آن عزیز با القابی همچون مهدی علیه السلام، حجت، المنتظر، القائم و...

۱۲- برخاستن از جا، هنگامی که نام آن حضرت برده می شود به ویژه به هنگامی که از آن حضرت با لقب «قائم» یاد می شود.

۱۳- توسل جستن به آن حضرت در گرفتاری ها و مهمات و نوشتن نامه و عریضه و...

۱۴- به هنگام دعا خداوند را به حق آن حضرت قسم دادن و آن حضرت را شفیع قرار دادن.

۱۵- ثبات در دین و عدم دنباله روی از صداها و مزخرفاتی که از هر گوشه ای بلند می شود.

۱۶- عدم معاشرت بسیار با مردم روزگار... یعنی بدون ضرورت با مردم دنیا معاشرت و رفت و آمد نکند که او را از یاد امامش باز می دارند.

۱۷- صلوات فرستان به آن حضرت.

۱۸- ذکر فضایل و مناقب و کمالات آن حضرت زیرا آن جناب ولی نعمت و واسطه فیض در همه نعمت‌هایی است که از جانب خداوند به ما می‌رسد؛ چنان که در کتاب مکیال المکارم آورده شده و...

۱۹- اظهار شوق و اشتیاق به زیارت جمال آن حضرت از روی واقع و حقیقت چنان که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام اشاره به سینه مبارک خود می‌کردند و آه می‌کشیدند و اظهار شوق به لقای امام قائم علیه السلام می‌کردند. (۱)

۲۰- مردم را به سوی معرفت آن حضرت و خدمت به ایشان دعوت نمودن.

۲۱- صبر نمودن بر سختی‌ها و آزار و اذیت و سرزنش دشمنان دین در زمان غیبت.

۲۲- هدیه نمودن اعمال صالحه خود مثل قرائت قرآن و... به آن حضرت.

۲۳- زیارت آن حضرت مثلاً با زیارت آل یاسین و...

(این دو مورد اخیر، اختصاص به حضرتش ندارد بلکه نسبت به همه ائمه علیهم السلام وارد شده).

۲۴- دعا کردن برای وجود مبارک آن حضرت و طلب فتح و نصرت و ظهور آن جناب از خدای متعال که برای این عمل آثار و برکات بی‌شماری مترتب است و به طور جداگانه در کتاب «ابواب الجنات فی آداب الجمعات» و «مکیال المکارم...» ذکر شده است.

۲۵- تلاش علما و دانشمندان در بسط معارف مهدوی و ارشاد جاهلان و دفع بدعت‌ها... در کتاب «الفتن» بحار الانوار از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده که به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

یا علی! لو هدی الله بك رجلاً واحداً خیر لك مما طلعت علیه الشمس.

یا علی! اگر خداوند یک نفر را به واسطه تو هدایت کند از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد (یعنی همه دنیا) برای تو بهتر است.

۲۶- اهتمام و مراقبت در ادای حقوق امام زمان علیه السلام به قدر توان و عدم کوتاهی در خدمت به آن حضرت. وقتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لو أدركته لخدمته أيام حیاتی. (۱)

اگر او (حضرت مهدی علیه السلام) را درک کنم در تمام طول عمرم به خدمتش کمر می‌بندم.

و تو ای مؤمن! بین امام صادق علیه السلام با آن مقام و جلالت چه می‌فرماید؟ اگر خدمت به امام زمان علیه السلام نمی‌کنی لا اقل شب و روز قلب او را محزون و غصه دار مکن. «باری چو غسل نمی‌دهی نیش مزن.»

۲۷- به هنگام دعا اول برای آن حضرت و فرج ایشان دعا نمودن که مقتضای محبت و شرط ادب و مصداق مراقبت در ادای حقوق آن حضرت است...

۲۸- اظهار محبت و دوستی به آن حضرت به طور ویژه چنان که

۱- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲؛ غیبت نعمانی: ص ۲۴۵ ح ۴۶.

خداوند در شب معراج، به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله فرمود:

یا محمد! احببه فانی اُحبه و اُحبّ بن یحبه. (۱)

ای محمد! او (مهدی علیه السلام) را دوست بدار؛ زیرا که من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست دارد نیز دوست دارم.

۲۹- دعا برای یاران و خادمان آن حضرت.

۳۰- نفرین به دشمنان آن حضرت.

۳۱- دعا و درخواست به درگاه ربوبی برای قرار گرفتن در زمره انصار

و یاران آن حضرت.

۳۲- دعا برای آن حضرت با صدای بلند.

۳۳- صلوات فرستادن بر انصار و یاران آن حضرت.

۳۴- طواف دور کعبه به نیابت آن حضرت...

۳۵- تجدید عهد و بیعت با آن حضرت در هر روز و در هر وقت

ممکن...

۳۶- زیارت قبور ائمه علیهم السلام به نیابت آن حضرت...

۳۷- تکذیب مدعیان نیابت خاصه.

۳۸- تکذیب کسانی که برای ظهور امام علیه السلام وقت معین می‌کنند.

۳۹- تقیّه نمودن از دشمنان...

۴۰- توبه حقیقی از گناهان. اگرچه توبه در هر زمان بر گناهکاران واجب است؛ اما اهمیت آن در حال حاضر از این جهت است که یکی از اسباب غیبت حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه و طول غیبت آن جناب گناهان ماست که مانع ظهور گردیده... نگو بر فرض من توبه کنم سایر مردم که توبه نمی کنند باز امام من غایب است... اگر همه خلق سبب حبس حضرتش شده اند تو ملتفت خودت باش. تو شریک در حبس و منع او از ظهورش مباش.

۴۱- طلب دیدار امام علیه السلام و درک ظهور با عافیت چنان که در روضه کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

إذا تمنى أحدكم القائم عليه السلام فليتمنه في عافية...

هر کس از شما آرزوی (ملاقات و درک ظهور) امام قائم علیه السلام را دارد از خدای متعال مسئلت نماید که با عافیت او را به این فیض برساند.

۴۲- دعوت و کشاندن سایر مردم به وادی محبت آن حضرت با بیان خوبی ها، برکات و خیرات آن حضرت...

۴۳- قساوت قلب پیدا نکردن به سبب طول کشیدن زمان غیبت... سعی کنید دلتان نرم باشد و قلب شما در غیبت امام عصر علیه السلام قساوت پیدا نکند. اگر بگویید که نرم بودن دل و سخت شدن آن از اختیار ما بیرون است عرض می کنم: راست می گوید و لکن مقدمات به اختیار شماست یعنی می توانید کاری کنید که دل ها نرم شود و یا بر عکس کاری کنید که قساوت قلب را فرا بگیرد... آنچه باعث نرمی دل می شود: حاضر شدن در مجالسی است که ذکر آن حضرت به میان می آید و صفات، ویژگی ها و

حالات آن جناب بیان می‌گردد و مجالسی که ذکر مواعظ و نصایح اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود و مجالسی که آیات قرآن در آنها خوانده می‌شود به شرط تأمل و تفکر در معانی آنها و همنشینی با علمای اهل عمل و یا اهل اطاعت پروردگار و آنانی که فکر و ذکر و هم و غم آنها، با عالم آخرت است که با گفتار آنها انسان متنبه می‌شود، رغبت به اطاعت خدا پیدا می‌کند و بی‌اعتنا به دنیا می‌شود، به قبرستان‌ها رفتن، بسیار به یاد مرگ بودن، دست بر سر یتیمان کشیدن و به آنها مهربانی و نیکی کردن.

و اما چیزهایی که باعث قساوت قلب می‌شود: یاد و ذکر خداوند را ترک نمودن، غذای حرام خوردن، با اهل دنیا نشست و برخاست کردن و به منزل آنها بسیار رفتن، غذای سیر خوردن، بسیار خندیدن، بسیار به فکر خوراک و شکم بودن، بسیار سخن گفتن در چیزهایی که فایده اخروی ندارد، طول امل (آرزوهای دراز) داشتن، نماز را از اول وقت به تأخیر انداختن، با اهل معصیت و آنان که از فسق و گناه باکی ندارند رفت و آمد کردن، به سخنان بیهوده‌ای که فایده آخرتی ندارد گوش دادن، برای لهو و لعب به شکار رفتن، در امور دنیا ریاست کردن، به منزل رؤسا رفتن، با زنها بسیار مجالست نمودن،... ترک توبه نمودن، به صدای ساز (موسیقی) گوش دادن، شراب و هر مست‌کننده‌ای را نوشیدن، ترک مجلس اهل علم و مقصود از این مجلس مجلسی است که ذکر احکام دین و احادیث و مواعظ ائمه طاهرین علیهم‌السلام و حالات و اوصاف امام زمان علیه‌السلام و... بشود به ویژه اگر گوینده اهل عمل باشد.

یکدیگر هم عقیده و متفق باشند و به صورت دسته جمعی حاضر به وفای عهد خویش با امام و یاری آن حضرت باشند.

۴۵- اهتمام در یاری حقوق مالی آن حضرت از قبیل زکات، خمس، سهم امام علیه السلام و... بدان که از حقوق مالی امام علیه السلام بر شخص این است که هر سال قدری از مال خود را به مصرف امام زمان علیه السلام برساند و این غیر از سهم امام واجب است زیرا که سهم امام در چیزهای مخصوصی است با شرایط مخصوصی که در کتاب‌های فقهی آمده است ولی این مطلب (یعنی پیش کش نمودن مال به امام علیه السلام) شرط مخصوصی ندارد بلکه بر همه کس چه فقیر باشد چه غنی، سزاوار بلکه لازم و مؤکد است که هر ساله قدری از مال خود را به امام زمان خود هدیه نماید.

... از رؤیاهای صادقه شبی در خواب دیدم شخص جلیلی را که به من فرمود: شخص مؤمن اگر چیزی از مال خود را در زمان غیبت امام علیه السلام به مصرف امام علیه السلام برساند ثوابش هزار و یک برابر آن است که در زمان حضور امام علیه السلام تقدیم او نماید.

پوشیده نماند در این زمان که امام ما غایب است مالی را که مؤمن می‌خواهد هدیه به آن حضرت کند باید در جاهایی هزینه نماید که می‌داند رضایت آن حضرت در آن است مثلاً چاپ کتاب‌های متعلق به آن حضرت یا مجالسی که ذکر فضایل و آداب آن جناب شود، یا به دوستان آن حضرت به قصد هدیه آن حضرت داده شود.

۴۶- کوشش در به دست آوردن صفات حمیده و اخلاق پسندیده و به جای آوردن واجبات و پرهیز از گناهان.

۴۷- خواندن دعای ندبه در روزهای جمعه و عید غدیر، عید فطر و

عید قربان.

۴۸- گرامی داشتن روز جمعه و این که مؤمنان در روزهای جمعه که

متعلق به آن حضرت است خود را مهمان آن جناب بدانند و ایشان را با زیارت مخصوص روز جمعه زیارت نمایند.

۴۹- خواندن دعایی که از اولین نایب آن حضرت در زمان غیبت

صغری جناب عثمان بن سعید رضی الله عنه روایت شده است و سید بن طاووس رضی الله عنه توصیه می کند اگر در عصر جمعه هیچ دعایی را نتوانستی بخوانی به هیچ وجه خواندن این دعا را ترک نکن و دعای شریف با این کلمات آغاز می شود:

اللهم عرفنی نفسك... (۱)

العجل!

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ای فرجت آرزوی شیعیان | العجل ای مهدی صاحب زمان |
| وارث یکتا شه دُلْدُل سوار | وعدۀ حتمیٰ خداوندگار |
| نور دل حضرت زهرا تویی | مطلق حق آیت عظاما تویی |
| زادهٔ والا گهر عسکری | کرده‌ای از آب عبا دلبری |
| نور مه و مهر ز رخسار تو | عالم ایجاد گرفتار تو |
| قلب جهان به سینه ات می‌تپد | روح به عالمی دمت می‌دمد |
| خلق دو عالم زدمت زنده اند | صد چو مسیحا به درت بنده اند |
| راه خداوند فقط راه توست | خضر نبی خادم درگاه توست |
| در شب تاریک جهان، ماه تو | بر همهٔ خلق جهان، شاه تو |
| درد بشر را تو دوا می‌کنی | عدل و مساوات به پا می‌کنی |
| شکر خدا را به لبم نام توست | شکر خدا را که دلم رام توست |
| خاک درت سرمهٔ چشمان من | حبّ تو سرمایهٔ ایمان من |
| معبد من مقصد من کوی تو | کعبهٔ من قبلهٔ من روی تو |
| با نگهت گبر مسلمان شود | یک شبه چون بوذر و سلمان شود |
| گوشهٔ چشمی به من زار کن | مرحمتی بر این گنهکار کن |
| هرچه که هستم ز تو دم می‌زنم | دم ز تو ای شاه کرم می‌زنم |
| حسرت دیدار تو دارد دلم | مهر تو آمیخته شد با گلم |

فدیه دیدار اگر جان بؤد
 هجر تو مولا به درازا کشید
 کاش می آمد ز تو ما را خبر
 خون جگر از هجر تو خوبان بیا
 مکه بؤد منتظر مقدمت
 سلسله از پای بشر باز کن
 روی نکویت چو شود جلوه گر
 منبر و محراب دعا می کند
 در یم غم شیعه خود را بین
 فتنه دجال جهانگیر شد
 پرده ز رخسار مهت بر فکن
 العجل ای صاحب تیغ دو دم
 یکسره کن کار جهان با فرج
 دائماً آید ز سما این ندا
 ای پسر فاتح بدر و حنین
 زمزمه دارند ملائک همه
 نیست کسی باخبر از غربتت
 گرچه به خلق دو جهان سروری
 ای که تویی از همه مظلوم تر
 حیف که ما دست تو را بسته ایم
 غفلت ما باعث غیبت بؤد
 جان بیستان فدیه چه ارزان بؤد
 جان به لب اهل تولا رسید
 کاش بیایی دگر از این سفر
 خسرو خوبان ز بیابان بیا
 کعبه سیه پوش بؤد از غمت
 دعوت خود از حرم آغاز کن
 وجه خدا جلوه کند بر بشر
 بهر فرج خدا خدا می کند
 پر ز ستم گشت تمام زمین
 «سیدنا» آمدنت دیر شد
 ای شه دجال گش بت شکن
 منجی موعود تمام امم
 العجل ای حضرت ختم الحجج
 العجل ای طالب خون خدا
 العجل ای طالب خون حسین
 العجل ای منتقم فاطمه
 با خبر از رنج و غم غیبتت
 خانه نشین چو جد خود حیدری
 از علی و فاطمه مظلوم تر
 قلب خدایی تو بشکسته ایم
 جایگهت وادی غربت بؤد

مذهب ما درهم و دینار شد
 لایق دیدار تو ما نیستیم
 ما به تو بسیار جفا کرده ایم
 وای به ما مردم پیمان شکن
 جان به فدای دل پر خون تو
 خلق به اجداد تو نیرنگ کرد
 آه مکش از دل پر غصه ات
 العجل ای حجّت ثانی عشر
 حرمت زهرای جوان چون شکست
 خیمه آل فاطمه چون بسوخت
 علقمه هر روز صلایت زند
 عمّه سادات به بزم یزید
 مرهم زخم دل لیلا بیا
 العجل ای راحت جان رباب
 جان رقیه ز سفر باز گرد
 وقت ظهور است دگر کن قیام
 کی شود از غیب بیاید نوید
 مهدی موعود سلام علیک
 مکر و ریا سکه بازار شد
 محرم اسرار تو ما نیستیم
 غفلت از نور خدا کرده ایم
 جمله نمکخوار و نمکدان شکن
 آن دل بشکسته و محزون تو
 عرصه به همچو حیدری تنگ کرد
 جان به فدای تپش سینه ات
 العجل ای وارث خیر البشر
 «یا ولدی» گفت به راهت نشست
 کرب و بلا دیده به راه تو دوخت
 حضرت عباس صدایت زند
 خواند، دعای فرجت با امید
 منتقم از بهر تسلّا بیا
 منتقم آل عبا کن شتاب
 بر آن دمی که بر پدر ناز کرد
 صاحب صمصام بگیر انتقام
 منتظران! منتظر از ره رسید
 حجت معبود سلام علیک